

مارک آدیسن

# ویتگنشتاین

راهنمایی برای سرگشتگان

همایون کا کا سلطانی



بنگاه ترجمه و نشر  
کتاب پارسه

## فهرست مطالب

۹	یادداشت مترجم
۱۱	دیباچه
۱۳	فصل یکم : مقدمه
۱۳	شرح مختصر
۲۱	زندگی‌نامه
۲۸	تأثیر فلسفی ویتگنشتاین
۳۹	فصل دوم : ترسیم مرزهای معنا
۳۹	خاستگاه تراکتاتوس
۴۷	نظریه تصویر درباره معناداری
۵۶	مرزهای زبان و فلسفه
۶۵	فصل سوم : متافیزیک تراکتاتوس
۶۵	پیوند یافتن زبان و واقعیت
۷۳	شبه - گزاره‌ها (یا گزاره‌نماها (م))
۷۸	نخستین و دومین اثر
۸۷	فصل چهارم : دوره میانی
۸۷	<b>نقد تراکتاتوس</b>
۹۳	اظهارات فلسفی و گرامر فلسفی
۹۹	کتاب‌های آبی و قهوه‌ای
۱۱۳	فصل پنجم : هدف‌ها و روش‌های درمان فلسفی
۱۱۳	هدف‌ها

۱۲۰	.....	روش‌شناسی‌ها
۱۲۹	.....	گستره درمان فلسفی
۱۳۹	.....	فصل ششم : فلسفه زبان و ریاضیات
۱۳۹	.....	گرامر و معناداری
۱۴۷	.....	قواعد و اشکال زندگی
۱۵۶	.....	ریاضیات
۱۶۵	.....	فلسفه ذهن
۱۶۵	.....	فصل هفتم : چشم‌اندازها
۱۶۹	.....	طبقه‌بندی مفاهیم ذهنی
۱۷۵	.....	زبان خصوصی
۱۹۱	.....	معرفت‌شناسی، دین و زیبایی‌شناسی
۱۹۱	.....	فصل هشتم : معرفت‌شناسی
۱۹۸	.....	دین و اخلاق
۲۰۶	.....	زیبایی‌شناسی
۲۱۷	.....	گزیده کتاب‌شناسی
۲۲۷	.....	واژه‌نامه
۲۲۹	.....	نمایه

## فصل یکم مقدمه

### شرح مختصر

ویتگنشتاین یکی از مهم‌ترین فلاسفه قرن بیستم است. او نگره‌های وسیعاً پذیرفته شده را با نقدهای قدرتمندی که فرضیات بنیادین شکل‌دهنده آن‌ها را در معرض خطر قرار می‌داد از بیخوبن به چالش کشید. وی درخصوص مسائلی دربارهٔ روش‌شناسی درست در فلسفه و حوزه‌های ویژهٔ زبان، منطق، ریاضیات، ذهن و معرفت‌شناسی مشارکت‌های خلاقانه و جنجالی درخور توجهی داشت. نوشته‌هایش<sup>۱</sup> به دو دورهٔ اولیه و متأخر تقسیم می‌شوند. آثار متأخر معمولاً بیش‌تر به دورهٔ میانی واپسین و آنچه غالباً به ویتگنشتاین سوم به مصطلح است دسته‌بندی می‌شوند. هر دو اثر اولیه و متأخرش در تکامل فلسفهٔ قرن بیستم نقش سرنوشت‌سازی ایفا کردند.

گوتلوب فرگه (۱۸۴۸-۱۹۲۵) و برتراند راسل (۱۸۷۲-۱۹۷۰) تأثیر عمیقی بر فلسفهٔ نخست ویتگنشتاین گذاشته‌اند. رسالهٔ منطقی-فلسفی<sup>۲</sup> در سال ۱۹۲۱ منتشر شد و تنها کتابی بود که ویتگنشتاین در زمان حیاتش منتشر کرد. کتاب با بندهای شماره‌دار و مرتب عرضه می‌شود. تراکتاتوس از دل یادداشت‌های ویتگنشتاین در فاصله سال‌های (۱۹۱۴-۱۹۱۶) به‌مثابه تکامل و واکنش علیه ایده‌های مورد حمایت راسل و فرگه دربارهٔ زبان و منطق سربرآورد. کتاب مبتنی بر این ایده است که مسائل فلسفه از ناکامی در فهم زبان برمی‌خیزند و هدف این کتاب روشن ساختن ویژگی ذاتی زبان است. اشتغال و

نگرش‌های فلسفی وی به منطق تازه ابداع شده فرگه و راسل، محور تراکتاتوس بود. تحلیل منطقی عرضه شده در این کتاب، با فروکاستن مفاهیم مرکب به سازه‌ها و مؤلفه‌های بسیط‌شان، انحلال مسائل فلسفی را دنبال می‌کرد. ویتگنشتاین تصویر پیچیده‌ای از نسبت‌های میان زبان، منطق و متافیزیک به دست داده است. او مدعی بود که در تراکتاتوس همه مسائل عمده فلسفه را حل کرده و پس از آن از فلسفه دست کشید تا این‌که در سال ۱۹۲۹ دوباره به فلسفه بازگشت، و این اشتیاق دوباره به فلسفه دال بر شروع دوره میانه‌ای است که تا سال ۱۹۳۵ ادامه یافت. او آموزه‌های تراکتاتوس را در معرض نقادای سیستماتیک قرار داد و شروع به بسط بسیاری از مضامینی کرد که در پژوهش‌های فلسفی ارائه شده‌اند. تعلق خاطر ویتگنشتاین به موضوعات محوری تراکتاتوس باقی ماند ولی از زبان برداشتی اساساً نوین را بسط داد و آنچه را که رویکرد جزمی زبان به فلسفه لحاظ می‌کرد مردود دانست. تصورش از فلسفه به شکلی بسیار معنادار تغییر کرد و دیگر برایش مهم نبود که برای مسائل فلسفه راه‌حل‌های قطعی پیدا کند. ویتگنشتاین در رویکردش به مسائل فلسفه، از تحلیل منطقی در چارچوب توصیف کاربرد زبانی پرهیز می‌کرد. او مدعی بود که فلسفه را باید به مثابه نوعی درمان نگرست و ادعا می‌کرد فلسفه باید روش‌های گوناگونی شبیه روش‌های متنوع درمان را به کار گیرد. تغییرات سبک‌شناختی آشکار میان تراکتاتوس و دوره میانه، این چشم‌اندازهای تغییر یافته درباره زبان و ماهیت فلسفه را منعکس می‌کند. میان آغاز دوره میانه و پایان دوره متأخر، حدود نیمی از کار ویتگنشتاین با فلسفه ریاضیات سروکار داشت. نخستین نشانه‌های آنچه که قرار بود علقه عمده به فلسفه ذهن باشد به وضوح مقارن پایان دوره میانه ظهور می‌یابد. آثار منتشر شده در این دوره عبارت‌اند از:

«اظهاراتی چند درباره فرم منطقی»؛ لودویگ ویتگنشتاین و حلقه وین؛

اظهارات فلسفی، درس‌گفتارهای ویتگنشتاین: کمبریج ۱۹۳۰-۱۹۳۲؛

گرامر فلسفی، درس‌گفتارهای ویتگنشتاین: کمبریج ۱۹۳۲-۱۹۳۵؛

کتاب‌های آبی و قهوه‌ای؛ و «یادداشت‌های ویتگنشتاین بر درس‌گفتارهای

پیرامون "تجربه خصوصی" و "داده‌های حسی".

دوره متاخر حدوداً طی سال‌های ۱۹۳۶ تا ۱۹۴۵ را دربرمی‌گرفت. پژوهش‌های فلسفی، مهم‌ترین اثر ویتگنشتاین در این دوره بود و طی این دوره توجه او اساساً بر آماده‌سازی کتاب متمرکز بود.<sup>۳</sup> در سال ۱۹۴۵ بخش نخست پژوهش‌ها در قالب فرم نهایی دستنویس قرار داشت و ویتگنشتاین اجازه انتشار آن را نداد. فقط اجازه داد کتاب بعد از مرگش منتشر شود. کتاب در سال ۱۹۵۳ منتشر شد. پژوهش‌ها از نظر سبک‌شناسی به دوره میانه شباهت دارد ولی جملاتش بسیار صیقل خورده و فشرده‌اند. کتاب از بحث درباره یک موضوع به موضوع دیگری در حرکت است و ساختاری که به آسانی قابل تشخیص باشد ندارد. چنین گذاری میان موضوعات پیامد این نگره ویتگنشتاین است که بخش اساسی انحلال آشفتگی فلسفی عبارت است از نزدیک شدن به خطاها از چشم‌اندازهای گوناگون. در هر نوبت، سرچشمه‌های دیگر سردرگمی بر ملا می‌شوند. بخش نخست پژوهش‌ها با طیفی از مسائل محوری فلسفی نظیر ماهیت معناداری و فهمیدن، خصلت گزاره‌ها و ویژگی منطق به اضافه پژوهش‌هایی درباره حالات آگاهی و قصدمندی (Intentionality) سروکار دارد.

آثار منتشر شده در این دوره عبارت‌اند از: گفتارهایی درباره شالوده‌های ریاضیات؛ درس‌گفتارها و مباحثاتی درباره زیبایی‌شناسی، روان‌شناسی و باورهای دینی؛ و درس‌گفتارهای ویتگنشتاین درباره شالوده‌های ریاضیات، کمبریج ۱۹۳۹.

اتفاق نظر رو به رشدی وجود دارد که دوره‌های مابین سال‌های ۱۹۴۶-۱۹۵۱ در اندیشه ویتگنشتاین گذار مشخصی (اغلب مصطلح به ویتگنشتاین سوم) را دربرمی‌گرفت. بخش دوم پژوهش‌ها مَهر این زمان را داراست و با مسائلی در (فلسفه ذهن به همراه تمرکزی ویژه بر دیدن جنبه aspect seeing) سروکار دارد. درباره یقین (On Certainty) مشهورترین کتاب این دوره است که عمیق‌ترین و پایدارترین مباحثات معرفت‌شناختی ویتگنشتاین را در برمی‌گرفت. مجادله‌ای وجود دارد که آیا نوشتارهای این دوره را باید اقدام به حرکت در مسیرهای نوین از روی مسیر پژوهش‌ها به حساب آورد یا باید استمرار آن‌ها در نظر گرفت.

آثار منتشر شده این دوره عبارت‌اند از: *یادداشت‌های پراکنده* (Zettel)؛ *گفتارهایی در فلسفه روان‌شناسی*؛ *آخرین نوشتارها درباره فلسفه روان‌شناسی*؛ *فرهنگ و ارزش*؛ و *اظهاراتی درباره رنگ*.

برخی از اظهارنظرها در کتاب‌هایی که درباره ویتگنشتاین نوشته می‌شوند تمایل دارند ایده‌های ویتگنشتاین را طوری به خوانندگان مشتاق معرفی کنند که گویی او بسیار شفاف‌تر و ساده‌تر از آن چیزی است که واقعاً هست. مواجهه‌ای با نوشتارهای وی چنین توهماتی را فوراً از میان برمی‌دارد و ممکن است خوانندگان در حیرت بمانند که وقتی سرگرم کار تفسیری خودشان‌اند، چگونه پیش بروند. موقع اقدام به تفسیر ویتگنشتاین ملاحظه دشواری‌هایی از این نوع سودمند است. این واقعیت که علاقه به او به ورای فلسفه کشانده می‌شود می‌تواند به این گمان یاری برساند که درباره این موضوع و برای فهم ویتگنشتاین به هیچ پس‌زمینه یا پیش‌زمینه قبلی نیاز نیست. در واقع، خلاف آن درست است و بیش از آنکه او را بتوان درک کرد، برای درک او بسان برخی دیگر چهره‌های مهم مثل کانت، شناخت نسبتاً زیادی از فلسفه لازم است. برای فهم این نقطه از تفسیرهای ویتگنشتاین لازم است که آماج نقاداش شناسایی شوند. از آن‌جا که او اهدافش را به شیوه‌ای سراسر واضح مشخص نمی‌کرد، پیشینه شناخت مورد نیاز است تا روشن شود که آن‌ها واقعاً چه هستند. داشتن پایه‌ای مناسب در حوزه فلسفه‌های زبان، منطق، ریاضیات، ذهن و معرفت‌شناسی ارزشمند است. درباره حد و اندازه به کارگیری جزئیات زندگی ویتگنشتاین برای اثرگذاری بر فهم فلسفه‌اش، اتفاق‌نظری وجود ندارد. وقتی تأثیرات فلسفی‌اش لحاظ می‌شوند، این اختلافات، به‌ویژه بدیهی می‌شوند. عقیده عام بر این است که ویتگنشتاین تحت تأثیر متفکر دیگری بود که در این صورت باید همانندی‌های میان اندیشه‌هایشان را نشان داد. اما می‌شد اعتراض کرد که این استاندارد برای تأثیر، به خاطر حمایت از مقایسه باورهای فلسفی، پژوهش جدیدی در تاریخ اندیشه‌ها را نادیده می‌گیرد. مبنای نقادی این است که اگر همانندی‌ها به قدر کافی و به اجمال توضیح داده شوند، آن‌گاه سخت بتوان نتیجه گرفت که اسناد تأثیر متفکری خاص، قانع‌کننده‌ترین تبیین درباره ریشه و منشأ موضوعات فلسفی بخصوص در اندیشه ویتگنشتاین می‌گردد. پس از بررسی‌های دقیق باید از